

از هم گسیخت: از هم جدا شد، پاره شد
دهقان: کشاورز
تاک: درخت انگور
شاخساران: درختان انبوه و پر شاخ و برگ
گل بوته: بوته گل

باز: دوباره
تماشاخانه: جایی که در آن چیزی نمایش داده می شود
شگفتی ها: عجایب، پدیده های عجیب
سرشار: لبریز، پر
لطیف: زیبا، نرم

تماشاگه: محل تماشا و گردش
پدیده: چیز تازه عجیب: غریب، شگفت آور
مقایسه کنیم: بسنجیم
درنگ: توقف، سکون

تأمل: اندیشه، درنگ
سر به فلک کشیده: بسیار مرتفع، بلند
کردار: عمل، رفتار
عالمان: دانایان
نگاشته: نوشته آفرینش: خلقت، به وجود آمدن

گوارا: مطبوع، دلچسب

موضوع: مطلب

سنگلاخ: زمینی که در آن سنگ فراوان باشد

شکننده: ظریف، نازک

هیس: ساکت

سر در می آورد: می رویند و رشد می کنند

مخملی: از جنس مخمل، مثل مخمل نرم

توصیف: وصف کردن

سر زده: بی خبر

تالاب: جایی که در آن آب جمع شود و بماند

نارون: درختی برگ ریز که در همه جا پراکنده و از جمله

درختان جنگلی نقاط معتدل

رفته رفته: آرام آرام

رنگ رنگ: دارای رنگ های مختلف

بستان: باغ

کوته: کوتاه

برگ نو: برگ تازه

کهن: قدیم، گذشته

نغمه خوان: آواز خوان

آشیان: لانه، خانه

لطيف: لطف، الطاف
عالم: علم، معلم
فصل: فصول
عجيب: عجائب، تعجب
عميق: عمق، اعماق
آفرينش: آفریده، آفرید
توصيف: وصف، موصوف

لطيف ≠ خشن
كهن ≠ جديد
ساده ≠ سخت پاكي ناپاكي، پليدي
شاداب ≠ غمگين

كوتاه ≠ بلند
گرما ≠ سرما
نو ≠ كهنه
بلندترين ≠ كوتاه ترين